

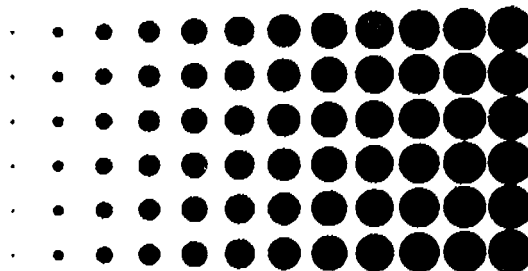
وجه تمایز شرکتهای اصیل تعاونی و مؤسسات تصنعی و غیراصیل را به خوبی درک کرده‌اند.

لازم به یادآوری است که تعاونیها علاوه بر هدفهای مادی و اقتصادی دارای هدفی اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی نیز هستند. به عنوان مثال، در کشورهای فنلاند و آلمان، که بخش اعظم فعالیتهای اقتصادی در تعاونیها شکل می‌گیرد، اکنون دیگر تنها تأمین منافع مادی اعضا هدف این تعاونیها را تشکیل نمی‌دهد، بلکه به کار گرفتن امکانات تعاونیها به سود کل جامعه و تعالی فرهنگی و اجتماعی مردم از اهمیت خاصی برخوردار است.

دولت مالزی در موردی دستور می‌دهد که فعالیتهای اقتصادی معینی که در بعضی مناطق به وسیله شرکتهای تعاونی با موفقیت انجام می‌شود، توسط مؤسسات دیگر صورت نگیرد. این امر ناشی از توجه به منافع اقتصاد ملی و تحقق توزیع عادلانه فرصتها در زمینه مشاغل تولیدی و تجاری است.

اقدامات دولت‌های اندونزی و مصر نیز حاکی است که در این کشورها، شرکتهای تعاونی در بخش صاحبان حرفه از حمایت دولت برخوردارند و رقابت واحدهای صنعتی خصوصی به نفع شرکتهای تعاونی با تمهیدات خاصی محدود می‌گردد. علاوه بر آن توسعه تعاونیهای تولیدی صنعتی و حرفه‌ای اصولاً محدود به برخی از رشته‌های فعالیت گردیده است، یعنی رشته‌هایی که احتیاجات بازارهای محلی یا منطقه‌ای را مرتفع می‌سازند و شاید به همین دلیل نیز اساساً توانسته‌اند از رقابت با واحدهای بزرگتر و نیرومندتر تولیدی در امان بمانند.

با توجه به قوانین و مقررات کشور هندوستان در مورد تعاونیها و کارکردهای قابل توجه آن، در کشور مالزی نیز اختیاراتی از لحاظ دخالت در امور تعاونیها از جمله تداوم مسأله آموزش، تلاش در اشاعه تعاون و نظارت گسترده بر امور شرکتهای تعاونی تفویض شده است. به علاوه بخشودگیهایی نظیر معافیت از پرداخت حق تمبر و مالیات بر درآمد به این شرکتهای اعطا شده است. دولت کره جنوبی نیز امتیازات و



نگاهی تازه به:

## نقش حمایت‌های دولتی در توسعه نهضت تعاون (رهیافت‌هایی از چند کشور جهان)

• جوانشیر فرآفرین

از سوی دیگر، براین نابسامانیها و مشکلات، عوامل دیگری نیز اضافه می‌شوند که در زمره آنها از خود بیگانگی فرهنگی و ملی، ناآگاهیهای علمی و حرفه‌ای مسائل سیاسی و... را می‌توان نام برد. به علاوه، دشواریهای سیاسی و فرهنگی کشورهای صنعتی به کشورهای در حال رشد رسوخ می‌کند که از جمله آنها به بند کشیدن شرایط و روابط اجتماعی و ممانعت از شکوفایی استعداد فردی، بی توجهی به نیازهای مختلف و جامعه انسانی، قرارگرفتن شرکتهای تعاونی در یک فضای غیر طبیعی و مصنوعی است که خود یکی از محوری‌ترین دلایل شکست تعاونیها محسوب می‌شود.

هنگامی که از یک تعاونی که برای خدمات رسانی به قشرهای فقیر و کم در آمد جامعه طراحی شده است، کارکردهای متغیری را انتظار داشته باشیم و یا از یک تعاونی که در جهت ارائه خدمات گوناگون به جامعه تشکیل گردیده است، توقعات غیراصولی مدنظر داشته باشیم. درواقع این امر نقض غرض خواهد بود و موجبات ناکامی و شکست تعاونی را فراهم خواهد ساخت. در پاره‌ای از کشورهای شرکتهای تقلبی و سوءاستفاده کننده برچیده شده و مردم

سازمانهای کهنه و شیوهای باری به هر جهت ارتباطی به توسعه اقتصادی و اجتماعی پویا که نیازمند دگرگونیهای بنیادی در شیوه عملکرد نهضت تعاونی است، ندارد. از این رو تعیین الگوهای جدید برای ایجاد مؤسسات تعاونی پیشرفته امری اجتناب‌ناپذیر است. سازماندهی نه تنها برحسب روابط بازرگانی آشفته و عاری از برنامه، بلکه بر اساس مدیریت علمی، تجاری به منصفه ظهور می‌رسد. به تعبیری، تعداد قابل توجهی از سازمانهای تعاونی می‌توانند همانند آب را کدی تلقی گردند که به علت سرمایه‌های اندک و حق عضویت سرانه پایین درصد مهمی از سرمایه خود را صرف تجهیزات، کارگاهها و یا ساختمان می‌کنند و ضعف مدیریتی و نظارتی قادر به واکنش منطقی در برابر بازار و تغییرات شرایط تولید و مبادلات اقتصادی نیستند و در نتیجه غالباً با خطر فرسودگی و اضمحلال روبرو می‌شوند. متأسفانه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، اغلب تعاونیها دارای گرههای کور هستند که در بعضی از اوقات اعضا نیز با باورها و اعمال نسنجیده و غرض آلود بر تعدد تنوع این گرهها و معضلات دست و پاگیر و باز دارند می‌افزایند.

معافیتهای مالیاتی خاصی را برای تعاونیهای کشاورزی در نظر گرفته است. در حال حاضر نرخ مالیات برای تعاونیهای کشاورزی در سطوح پایینتر از نرخهای معمولی اعمال می‌شود. به علاوه تعاونیهای کشاورزی از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده که بر شرکتهای بازرگانی به میزان ۰/۱۰ تعیین شده است، معاف می‌باشند. همچنین هیچگونه افزایش در قیمت خدمات و مایحتاج مزارع کشاورزی صورت نمی‌گیرد و نیز به آنها اجازه می‌دهند تا به رقابت با فعالیتهای تجاری بخش خصوصی بپردازند.

این واقعیت که گروهها و طبقات خاصی مانع از رشد و توسعه نهضت تعاون در کشورهای در حال رشد می‌شوند، و دوام و بقای جنبش تعاونی را به مخاطره می‌افکنند، خودگواهی است بر وظایف حمایتی دولت، پيله و ران و بازرگانان، بزرگ مالکان و سایر گروههای برخوردار از امتیازات اقتصادی، در صورت تشکیل و توسعه شرکتهای تعاونی منافع خویش را با خطر جدیدی مواجه می‌بینند. زیرا تشرهایی که تا پیش از تأسیس شرکتهای تعاونی شدیداً در حالت وابستگی به آنها به سر می‌بردند، با استقرار نظام تعاونی مستقل و بی نیاز می‌گردند. بدین جهت اگر دولتها در زمینه حمایت از شرکتهای تعاونی اقدام جدی به عمل نیاورند، این گروهها در بسیاری موارد و بویژه در مناطق روستایی به علت برخورداری از موضع قدرت، با وسایل و امکانات و تمهیداتی که در اختیار دارند، در برابر شرکتهای تعاونی قد علم خواهند کرد. بنابراین دولت باید با اقدام و فعالیت از طریق تقلیل نهاده‌ها، پیش خرید محصولات از کشاورزان و تدابیری از این قبیل، گروههای برخوردار را با ناکامی و شکست روبه‌رو سازد. بنابراین در کشورهای در حال توسعه علاوه بر اعطای کمکهای مالی، حمایت دولتها از شرکتهای تعاونی در برابر مخاطراتی از این ردیف نیز مورد توجه است. البته اتکا تعاونیها به دولت مخاطراتی دارد که یکی از آنها سیاسی است.

سیاستمداران بسیاری هستند که به جای به کار گرفتن نهضت تعاون برای

برآورد مقاصد اقتصادی و اجتماعی به مردم، آنرا وسیله وصول به هدفهای سیاسی قرار می‌دهند. از طرف دیگر هنگامی که تعاونیها بیش از حد به دولت متکی باشند، بورکراسی دولتی سرنوشت اقتصاد تعاونی را در چنگ خود می‌گیرد و دیگر به آسانی رها نمی‌کند. از این رو در برخی کشورها سیاست دولتها این نیست که تعاونیها را ملزم سازد که به طور مطلق متکی به دولت باشند، بلکه در اکثر موارد مداخله دولت در امور تعاونیها یک اقدام موقتی، آن هم در مواقع ضروری تلقی می‌شود.

هدف اصلی بیشتر کشورها آن است که یک نظام مستقل و نیرومند به وجود آورند که راه خویش را در پیش گیرد و در بنای اقتصادی جامعه نقش مؤثر و حتی رهبری کننده خود را ایفا نماید.

در عین حال هر نوع برنامه ریزی از «بالا» بایستی الزاماً با تجدید نظر و هماهنگی در ساخت سنتی جامعه از «پایین» نیز توأم باشد، تا در زمینه سیاستهای توسعه اقتصادی و فرهنگی توفیق مورد نظر برنامه ریزان حاصل گردد. برای کسب نتیجه در این زمینه لازم است که ساختار اقتصادی بر مبنای تئوریهای مدرن علمی استوار شود از طریق نفوذ در طبقات و قشرهای مختلف اجتماع و گسترش سطح آگاهی و دانش مردم، شیوه اندیشه و فرهنگ هماهنگ و سازگار با توسعه ایجاد گردد. درست همین نکته است که اهمیت نهضت تعاون در کشورهای در حال توسعه را نمایان می‌سازد. یکی از علل موفقیت شرکتهای تعاونی صنعتی و تجاری آشنایی کافی مؤسسات و بانان آنها با نظریات شخصیتهای اقتصاددانان و جامعه‌شناسان، از جمله یارتو، ماکس وبر، بلومر، مرتن، گلدنر، سی رایت میلز، ماساکی ایمایی، و مانند آنها بوده است. بدیهی است که در برنامه ریزیها نباید صرفاً از الگوهای کشورهای خارجی به گونه‌ای شتابزده و نسخه پیچی شده، استفاده نمود. بنابراین از تجارب آنها می‌توان با مقتضیات فرهنگ خودی و با لحاظ کردن شرایط مادی و معنوی جوامع روستایی و شهری

استفاده کرد.

تأسیس «اتحادیه ملی سرمایه گذاری در شرکتهای تعاونی» گام بسیار ارزنده‌ای است که در زمینه اداره اموال مالی تعاونیها و دفع خطر وامهای سنگین و نابسامانیها و احیاناً سوء استفاده‌ها برداشته می‌شود. این سازمان علاوه بر مزایای فراوان دیگر، امکان می‌دهد تا با تمرکز امور مربوط به سرمایه گذاری در تعاونیها، از سرمایه‌ها و اعتبارات موجود به نحو احسن استفاده به عمل آید. تعاونیها باید متکی به اعضا بوده و قدرت خود را از آنها بگیرند و خدماتی را که به انجام می‌رسانند، بر اساس نیازهای واقعی اعضا باشد. به این امر مهم باید توجه داشته باشیم که اعضا تعاونیها اصیلترین عامل هدایت آنها می‌باشند.

دولتها باید از تعاونیهای واقعی حمایت نمایند و حضور آنها را در توسعه ملی، کاهش فقر، ایجاد فرصتهای شغلی، بهسازی جوامع شهری و روستایی، افزایش خدمت اجتماعی و ارتقا و بهبود کیفیت زندگی مردم و همچنین به عنوان نهادهایی واقعی که به شیوه دموکراتیک اداره می‌شوند به رسمیت بشناسند و همانگونه که به شرکتهای خصوصی مساعدت می‌نمایند به تعاونیها در امر ارائه خدمات اجتماعی کمک کنند. دولتها لازم است به این امر توجه نمایند که کمک و پشتیبانی آنان صرفاً در آغاز و شروع کار تعاونیها باشد و آن‌گونه نباشد که این کمکها دراز مدت و یا دائمی منظور شوند. بلکه برعکس طبق برنامه زمینه‌های لازم در جهت استقلال عمل تعاونیها بوجود آید. در بسیاری از موارد، به دولتها توصیه می‌شود که هنگام تدوین لوایح قانونی و یا سیاستهای مالیاتی وضعیت تعاونیها را در نظر بگیرند و چنانکه تصمیم به خصوصی‌سازی شرکتهای دولتی داشته باشند، واگذاری امور چنین شرکتهایی را به تعاونیها بسپارند. در عین حال این امور به حمایت و نظارت جدی دولت بستگی دارد. زیرا این خطر وجود دارد که عوامل تن پرور و راحت طلب در این مؤسسات جمع شده و در وابستگی دائمی مقامات و سازمانهای مسؤول دولتی باقی بمانند. نظارت و حمایت باید بر اساس یک

در مراحل دخالت دولتها را منظور نمود. مسأله دیگری که ذکر آن در اینجا ضروری است، برخی از نتایج منفی است که از دخالت دولت در امر تعاونها حاصل شده است که از آن جمله می‌توان درگیری مسائل سیاسی با توسعه نهضت تعاون و دخالت بسوروکراسی دولت در امور موسسات تعاونی را نام برد در اینجا بابررسی و تجارب جامعه‌های دیگر رهیافت‌هایی برای حمایت، اصلاح و توسعه تعاونها معرفی و پیشنهاد می‌شوند:

- به رسمیت شناختن عملی تعاونها
- ایجاد شرایط و محیط قانونی بر مبنای دموکراسی
- گسترش قانونمندی تعاونها
- ابلاغ و اجرای قوانین و مقررات تعاونها توسط کارمندان متعهد دولت و حامیان واقعی نهضت تعاون
- اهمیت دادن جدی به تعاونهای کشاورزی و حمایت جدی از تعاونهای روستایی
- تخصیص منابع و اعطای تسهیلات به تعاونهای کشاورزی و صنایع تبدیلی و تلاش اساسی در تقویت زیر ساختها.
- اعمال سیاست تنظیم قیمت‌های عادلانه فرآورده‌های کشاورزی و دامی
- جلوگیری از وارد آمدن آسیبها به صنایع کوچک و متوسط از طریق قوانین و مقررات صنعتی و تجاری
- حذف مالیاتهای مضاعف از تعاونها
- اعطای اجازه به تعاونها برای سرمایه‌گذاری در تعاونهای کشورهای مختلف
- کمک دولت به تعاونهای اعتباری
- تأسیس صندوق حمایت از مشارکت زنان در تعاونها
- حذف تمام مقررات و تبعیضات به منظور حضور زنان در توسعه تعاونها
- برای هرگونه سازندگی و نوآفرینی در زمینه تعاونها بایستی نخست بسترهای ذهنی، خفیات و عادات ریشه دار را شناسایی کرده و علل و موانع و مقاومتهای منفی را پیدا و برطرف نموده و به جای آنها عواطف، احساسات، افکار و عملکردهای مطلوب و حساب شده را جایگزین ساخت.

حلهای مناسب برای حداکثر استفاده از امکانات موجود و کمک به بازگشت سریع وام‌ها و موجب گردش سریع‌تر منابع مالی در اختیار خواهد بود.

۵- اعطای امتیازات و وامهای کم بهره و یارانه‌ای به تعاونها در صورتی که به منظور اجرای خدمات سیاسی مورد نظر دولت باشد، از جمله خط مشی‌هایی است که تعاونها را در شرایط غیرواقعی قرار خواهد داد.

۶- اقدامات دولت در جهت حل معضل دیون تعاونها می‌تواند به دو طریق عمل شود: از یک سو، دولت قادر است وام دهی خصوصی را در چارچوب قوانین اصلاحی مجاز بشناسد، ولی برای جلوگیری از اجحاف این گروه به تأمین موسسات اعتباری که از لحاظ شرایط اعطای اعتبار قادر به رقابت با عوامل خصوصی تأمین اعتبار باشد، همت بگمارد. از سوی دیگر می‌تواند مرجع خصوصی تأمین اعتبار را در مجموعه نظام اعتباری خود ادغام و آنها را در این برنامه شرکت دهد.

۷- شایان ذکر است که کمکهای مالی بیش از حد دولت نه تنها بر روند رشد و توسعه تعاونها کمک نمی‌نماید، بلکه با طرح این مسأله آنان را در زمینه خودگردانی و روند برنامه‌های آتی در معرض مشکلاتی قرار می‌دهند که مانع پیشرفت بخش تعاونی خواهد بود. بدین ترتیب بعضاً مواردی مشاهده می‌شود که سودجویان صرفاً به منظور بهره برداری از این سرمایه تحت عنوان عضو وارد بخش تعاونی می‌شوند. از این رو بخش تعاونی باید تلاش خود را به امر تصفیه از داخل تعاونها آغاز و به خارج از آن گسترش دهد. البته در تمام مراحل بایستی مساعی دولت بر امر توزیع مناسب و عادلانه اشتغال که جایگاه مهمی در سطوح اقتصاد ملی است، متمرکز گردد.

۸- اگر بخواهیم تمام مطالب را در یک عبارت خلاصه کنیم، بهتر است بگوییم که در روند کار تعاونی عدم دخالت دولت ایده آل است. ولی تجربه نشان داده است که در کشورهای در حال رشد، ناچاراً باید

استراتژی برنامه‌ریزی شده و با ملاحظات اقتصادی صورت بگیرد و خط‌مشی‌های سیاسی نباید در آن دخیل باشد. شایسته است به جای دخالت مستقیم در تعاونها، از آنها حمایت منطقی به عمل آید و مخصوصاً این حمایت متوجه آنها نباشد که بر اساس اصول تعاون کار می‌کنند. چرا که قیود ساختاری نه تنها باعث محدودیت مشارکت اعضا در تصمیم‌گیریها می‌گردد، بلکه به میزان زیادی توانایی اعضا برای هماهنگی فعالیتها و تصمیمات نمایندگان، رؤسا و مدیران تعاونها را کاهش می‌دهد. لزوم رابطه اصولی و مستحکم بین دولتها و تعاونها بدون آنکه موجب سلب اختیار از موسسات مزبور شود و زمینه دخالت دولت در امور آنها را سبب گردد، اجتناب‌ناپذیر است، در این مورد توجه به واقعیات زیر واجب است:

- ۱- بدون استمرار کمکهای مالی قابل ملاحظه دولت به تعاونها تا مدتی معین، رشد مطلوب و خود انکابی مورد نظر این شرکتها در آینده‌ای نزدیک متصور نیست.
- ۲- اعطای اینگونه کمکها را نباید در فهرست هزینه‌های عمومی مورد بررسی قرار داد، بلکه لازم است از دیدگاه یکی از بهترین انواع سرمایه‌گذارها بدان نگریست. زیرا علاوه بر آنکه به صورت آشکار و نهان از بروز بسیاری هزینه‌های غیر ضروری برای دولت جلوگیری می‌کند، منشأ کاهش تدریجی اعمال تصدی دولت در امور اقتصادی شده، و مردم را به قبول مسؤولیت واقعی در قبال مسائل اجتماعی و اقتصادی ترغیب خواهد کرد، به ویژه که این کمکها غالباً به شکل اعتبار مطرح گردیده و در زمان معین برگشت‌پذیر خواهد بود.
- ۳- تأمین اعتبارات همواره باید توأم با انواع آموزشهای فنی و حرفه‌ای ضروری از سوی دولت و اتخاذ تدابیر لازم برای محول ساختن تدریجی این وظیفه به اتحادیه‌ها و موسسات تعاونی باشد.
- ۴- اعتماد دولت به بافت مردمی تعاونها و وجود نظام بازرسی قابل اعتماد در ارکان این شرکتها، ضرورت نظارت و مراقبت دولت بر نحوه هزینه اعتبارات داده شده را نفی نمی‌کند، چرا که ارائه راه

## منابع

- ۱- آراسته خو، محمد (۱۳۷۵)، انواع و کارکردهای تعاونیها، تهران انتشارات دانشکده پیام نور
- ۲- (۱۳۷۵)، آشنایی با مسائل نهضت تعاونی مالزی، وزارت تعاون، دفتر تحقیقات
- ۳- اوکلی، پستیر و دیوید، مارسدن (۱۳۷۰)، رهیافتهای مشارکت در توسعه روستایی، منصور محمدنژاد، تهران، وزارت جهاد سازندگی
- ۴- ازکبا، مصطفی (۱۳۶۴)، ۱۰ مفدهای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، تهران انتشارات اطلاعات
- ۵- اچ، دس (۱۳۷۸)، رابطه دولت و تعاونیها مترجم مرجانه سلطانی، تهران مجله تعاون، وزارت تعاون، شماره ۹۹
- ۶- امینی، علی اکبر (بی تا)، تعاونیها راهی به سوی جامعه سالم، انتشارات وزارت تعاون.
- ۷- ابازی، ماشالله (۱۳۷۳)، تاریخ نهضت تعاون در ژاپن، تهران مجله تعاون، شماره ۳۲
- ۸- نقوی، نعمت الله (۱۳۷۸)، جامعه‌شناسی روستایی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ چهارم
- ۹- نیورمند (۱۳۵۰)، چین قدرت بزرگ فردا، هوشنگ مقدسی، تهران انتشارات توس
- ۱۰- (۱۳۷۳)، توسعه اقتصادی در تایلند، رضا نبیای تهرانی، تهران، مجله تعاون، وزارت تعاون، شماره ۳۵
- ۱۱- ثابت سعیدی، ارسلان (۱۳۷۴)، مبانی تعاون، تهران انتشارات دانشگاه پیام نور
- ۱۲- جین کیم، یانگ (۱۳۵۱)، روابط دولت با تعاونیها در کره جنوبی، پرویش فیروزی، تهران، مجله تعاون، وزارت تعاون، شماره ۹۷
- ۱۳- جینا بار، جی، بی، (۱۳۷۲)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی: با تأکید بر جامعه‌شناسی روستایی، احمد حجاران و مصطفی ازکیبا، تهران نشر نی
- ۱۴- حاج عبدالطیف، نور وایتم (۱۳۷۸)، نهضت تعاون در کشور مالزی، محمود زارم‌زاده، تهران مجله تعاون، وزارت تعاون، شماره ۹۴
- ۱۵- سیدسجادی، سیدمنصور (۱۳۷۲)، شرکتهای سهامی زراعی، تهران، وزارت کشاورزی
- ۱۶- (۱۳۷۶)، طرحهای مطالعاتی تعاونیهای کشور هندوستان، وزارت تعاون، دفتر تحقیقات
- ۱۷- (۱۳۷۷)، قانون تعاون کشور اندونزی، وزارت تعاون، دفتر تحقیقات
- ۱۸- هانجین، هاسی (۱۳۵۰)، فنلاند سرزمین تعاون، بی مترجم، ج ۱ و ۲، تهران، سازمان مرکزی تعاون
- ۱۹- (بی تا)، قانون شرکتهای میانبر، وزارت تعاون، روابط عمومی دفتر بین‌الملل

به دور از اتکا صرف به حکومتها، کار خود را تداوم بخشند و از استقلال نسبی برخوردار شوند، تا دچار تزلزل و افت و خیزهای سیاسی نگردند.

- اعتماد دولت به بافت دولتی تعاونیها و وجود نظام بازرسی قابل اعتماد در ارکان این شرکتهای، ضرورت نظارت دولت بر نحوه هزینه اعتبارات داده شده را نفی نمی‌کند، چرا که ارائه راههای مناسب برای حداکثر استفاده از امکانات موجود و کمک به بازگشت سریعتر وامها، متضمن رشد تعاونیها و موجب گردش سریعتر منابع مالی در اختیار خواهد بود. برای آنکه تعاونیها از لحاظ سرمایه خود کفا شوند، به گردآوری پس انداز، پس انداز متمرکز پس انداز اجباری، پس انداز دلخواه و دیگر پس اندازها در انواع مختلف نیاز دارند.

- امری مسلم و منطقی است که دولتها نباید مستقیماً به بهانه کمک (به ویژه کمکهای مالی) در امور تعاونیها دخالت کنند. طبیعتاً هنگامی که دولت کمک‌هایی نظیر پرداخت یارانه، اعطای سرمایه بلاعوض، کمک جنسی و... به تعاونیهای مورد نظر ارائه دهد، نباید آن را بهانه‌ای کند که تعاونیها را به بنگاه دولتی تبدیل نماید.

- اتکای تعاونیها به دولت مخاطرات دیگری هم دارد که یکی از آنها مسأله سیاسی است. سیاست‌مداران بسیاری هستند که به جای به کارگرفتن نهضت تعاون برای مقاصد اقتصادی مردم، آن را وسیله وصول به هدفهای سیاسی خود قرار می‌دهند.

- محدودیتهای عملی و قانونی تعاونیها، موجب می‌شود که نمایندگان تعاونیها به جای رؤسای اصلی یعنی اعضا تصمیمات مهم را اتخاذ نمایند. در این صورت مشارکت دموکراتیک اعضا در این تصمیمات یا وجود ندارد و یا در نهایت بسیار محدود است.

- توسعه نهضت تعاون باید به هریک از برنامه‌های جامع ملی که در آن پیشنهادات شوراهای تعاونی و آمار و ارقام و نتایج بررسی‌های مؤسسات تحقیقی ملاک عمل قرار گرفته باشد، متکی گردد.

- در جوامعی که نظرات و برنامه‌های تعاونی با اعتقادات مذهبی، اخلاقی، سیاسی و سایر ویژگیهای ایدئولوژیکی تلفیق گردیده، این نهضت موجب رشد پشتیبانی از تعاونی و مالاً کسب نتایج مطلوب در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی شده است.

- اصولاً حمایت دولت از تعاونیها تنها از لحاظ اقتصادی واجد اهمیت نیست، بلکه ملاحظات سیاسی و اجتماعی نیز در این امر بسیار تعیین کننده است.

- بنابر توصیه سازمانهایی نظیر (اتحادیه بین‌المللی تعاون) و (سازمان ملل) در برخی از نقاط روستایی پاره‌ای از کشورها، حتی دانش‌آموزان به کمک تعاونیهای محلی خود صاحب مزرعه، شالیزار، باغهای بادام زمینی و دیگر محصولات کشاورزی شده و عملاً خلاقیت و توانمندی‌های خود را به نمایش گذاشته‌اند.

- سازمانهای اعتباری دولتی در کشورهای در حال توسعه عملاً از عوامل دولت محسوب می‌شوند و تصمیمات آنها معمولاً در جهاتی اتخاذ می‌شود که پرداخت وام و سبله‌ای برای اعمال فشارهای سیاسی بر تعاونیها گردد و در نتیجه تسلط و نفوذ دولت بر آنها تثبیت می‌گردد.

- تجارب بسیاری از کشورهای جهان نشان می‌دهد که در مسیر تبدیل کارکرد تعاونیهای سنتی به تعاونیهای رسمی، می‌توان از وسایل و دستگاههای ارتباط جمعی استفاده کرد.

لازم است سطح منطقی حمایت مالی دولت یا پیشبرد توسعه اقتصادی تعاونیها نسبت به آنچه برای بخش خصوصی در نظر گرفته می‌شود فزونی یابد.

- بدون استمرار کمک مالی قابل ملاحظه دولت به تعاونیها تا مدتی معین، رشد مطلوب و خود اتکایی مورد نظر این شرکتهای در آینده‌ای نزدیک متصور نیست. - اعتماد دولت به بافت مردمی تعاونیها و وجود نظام بازرسی قابل اعتماد در ارکان این شرکتهای، ضرورت نظارت دولت بر نحوه هزینه اعتبارات داده شده را نفی نمی‌کند.

- تعاونیها در واقع بایستی خود جوش و